

رابطه‌ی هویت محله‌ای با گرایش‌های مذهبی ساکنان اطراف حرم مطهر احمدبن موسی الکاظم شاه‌چراغ^(ع)

سید احمد رضا دستغیب^۱

محمد رضا محمدجانی^۲

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه‌ی هویت محله‌ای با گرایش‌های مذهبی ساکنان محلات اطراف حرم مطهر احمدبن موسی الکاظم شاه‌چراغ^(ع) بود. بدین منظور ۱۵۱ نفر (۶۵ مرد و ۸۶ زن) از ساکنان محلات اطراف حرم مطهر به صورت تصادفی و با مراجعه به درب منازل انتخاب شدند. سنجش هویت محله با استفاده از مقیاس ۳۳ گویه‌ای تهیه شده توسط وحید و نگینی (۱۳۹۱) و سنجش دینداری با استفاده از پرسشنامه ۲۵ گویه‌ای گلاک و استارک (۱۹۶۵) به نقل از دلبری، (۱۳۸۳) انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون همزمان حاکی از آن بود که از بین ابعاد هویت محله‌ای، دو بعد تعلق و مشارکت پیش‌بین‌های مثبت و معنی‌داری برای دینداری ساکنان محلات اطراف حرم مطهر بودند. نتایج در پرتو شواهد موجود مورد بحث و بررسی قرار گرفتند و پیشنهادهایی جهت استفاده‌ی دست‌اندرکاران و پژوهشگران ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: حرم مطهر احمدبن موسی الکاظم شاه‌چراغ^(ع)، هویت محله‌ای، گرایش‌های مذهبی.

^۱ عضو هیئت علمی (استادیار) گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (نویسنده مسئول).

پست الکترونیک: dr. dastgheib55@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی (استادیار) گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز. پست الکترونیک: mohamadjaani@gmail.com

مقدمه

موضوع هویت در طول تاریخ همواره در زندگی بشر مطرح بوده و از زوایای مختلف و رویکردهای متفاوت به آن پرداخته شده است. فیلسوفان، انسان‌شناسان، روانشناسان و جامعه‌شناسان، هر کدام به شیوه‌های متفاوتی درصدد کشف جنبه‌ها و ابعاد آن برآمده‌اند (فراشینی، ۱۳۹۵: ۲). ساروخانی در دایره‌المعارف علوم اجتماعی ذیل واژه هویت این چنین آورده است: کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن است؛ در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است. (کافمن، به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۳۳).

به عبارتی هویت بر گرفته از صفات و مشخصات جوهری هر شیء یا شخص یا شهر است، که بواسطه جوهری همچون تمایز و تشابه، تداوم و تحول، وحدت و کثرت، شخصیت پیدا می‌کند (شماعی و پور احمد، ۱۳۹۲: ۹۳).

همانگونه که «هویت» فرد، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ محله نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد (مک مالین و چیوز، ۱۹۸۶). هر شهر و یا هر یک از عناصر زیر سیستمی واحد شهر نیز در اجزای شخصیت خود صفاتی دارند که هویت آن را تعیین می‌کند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۵۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که روابط انسان‌ها با مکانی که در آن زندگی می‌کنند، بسیار پیچیده بوده و چنین رابطه‌ای عمیق‌تر از صرف بودن در آن مکان یا مواجهه با آن مکان است، به گونه‌ای که آن را می‌توان به "خود همانی با مکان" تعبیر کرد (وستر-هربر، ۲۰۰۴: ۱۱۱). بنابر نظر پروشانسکی^۳، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می‌سازد، مکانی است که او خود را با آن شناسایی می‌کند و به دیگران می‌شناساند (پروشانسکی، ۱۹۷۸: ۱۴).

در حقیقت هویت مکان بخشی از هویت فردی تعریف می‌شود، فرآیندی که به واسطه آن تعاملات و کنش متقابل انسان‌ها با مکان صورت می‌گیرد و افراد، خودشان را برحسب تعلق به مکان ویژه‌ای توصیف می‌کنند. تعلق مکانی پیوندی عاطفی است که افراد با مناطق ویژه‌ای برقرار می‌کنند؛ مکان‌هایی که افراد ترجیح می‌دهند در آنها اقامت کنند و در این مکانها نیز احساس آرامش می‌کنند (هرناندز^۴ و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۱۰). بر اثر این رابطه محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود. گاه این تعلق مکانی از سطح تجربه‌های احساسی شناختی فردی فراتر می‌رود و از طریق احساس مشترک جمعی برای یک محدوده فضایی وسیع‌تر تا سطح یک کشور و برای یک ملت نیز گسترده می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۵: ۲۳۸).

¹ McMalaing, D. W, and Chavis

² Wester-Herber

³ Proshansky

⁴ Hernandez

تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها نقشی برای مکان در ذهن خود متصور شده و مکان برای او قابل احترام می‌شود (فرایشانی، ۱۳۹۵: ۳).

از جمله عوامل هویت بخش در شهرها، محلات می‌باشد. محله منطقه وسیعی است که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص، قابل شناسایی است، به گونه‌ای که فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس کند (چپ من، ۱۳۸۴، ۱۹۰). محلات مکان‌هایی هستند که افراد در آن ساکن بوده و مکرراً در حال رفت و آمد در آن هستند. اینگونه مکان‌ها در برگیرنده عمیق‌ترین معانی بوده و کانون تعلقات عاطفی و احساسات بسیار قوی می‌باشند (چوو و هلی^۱، ۲۰۰۸: ۳۳۶).

از گذشته‌های دور محله‌ها در شکل دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه داشتند. هر محله‌ای با ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی - فرهنگی خاص خود و با ارائه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای، هویت خود را باز می‌یافت به طوری که از سایر محله‌ها متمایز می‌شد (شماعی و جهانی، ۱۳۹۰) و موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و هویت داشته باشند (عبداله زاده، ۱۳۸۹).

چنین مؤلفه‌هایی یک فرصت و یک امتیاز منحصر به فرد برای تشخیص و حس مکان به فرد می‌دهند. ویژگی‌هایی که چه بسا شهروندان نسل اندر نسل و طی سالیان طولانی آن را تجربه کرده و شیوه‌های زندگی خود را با آنها شکل داده‌اند (شماعی و جهانی، ۱۳۹۰).

به نظر مرلن، محله با جنبه‌های فیزیکی، ریخت شناسی، موقعیت در شهر، دوره ساخت، تیپولوژی ساختمان‌ها، کارکردها و گروه‌های اجتماعی مسلط و غیره مشخص می‌گردد (ربانی، ۱۳۸۵). مکنزی یکی از نویسندگان مکتب شیکاگو اصطلاح محله را در دو قلمرو فیزیکی و ارتباط اجتماعی تعریف می‌کند. از نظر مکنزی محله واحد نزدیک فیزیکی و محل ارتباط اجتماعی است (بلومر^۲، ۱۹۸۴: ۱).

بنابراین محله می‌تواند، یک شبکه اجتماعی محسوب شود و ممکن است بتواند پایه و اساسی برای فعالیت‌های اجتماعی و یا حتی نظامی محسوب شود. در نتیجه محله یک هویت اجتماعی مکانی است، قلمرویی که دارای محدودیت‌های مشخص شناخته شده توسط ساکنان آن است. در چنین قلمرویی، تقابل رسمی و غیر رسمی و شناخت همسایگی رخ می‌دهد، کاربری روزانه خدمات محله توسط ساکنین و آگاهی آنان در مورد تصویر محله به عنوان بخشی از هویت اجتماعی شان نیز به وابستگی میان مکان

¹ Chow & Healey

² Blummer

و فضا اشاره دارد (لوئیس،^۱ ۱۹۸۹: ۳۱۶).

هویت محله ای را، احساس تعلق به یک محله مسکونی، تعریف می کنند (فوت،^۲ ۲۰۰۴: ۸). هویت مکانی به جنبه‌ی ذهنی رابطه‌ی میان انسان و مکان اشاره دارد و اینکه چگونه مکان به هویت فرد کمک می‌کند (پیتون،^۳ ۲۰۰۳: ۸). در هویت مکانی، مکان وسیله‌ای است که فرد خودش را از دیگران (افراد خارج از مکان) متمایز می‌کند و نیز حس همسانی خود را با افراد داخل مکان حفظ می‌کند (لیوویکا،^۴ ۲۰۰۸: ۲۱۱). هویت در محله به واسطه‌ی ایجاد و تداعی "خاطرات عمومی" در ساکنان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده آنها را به "هم محله‌ای‌ها" که گستره‌ی فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، تبدیل می‌کند (برک پور، ۱۳۸۰). در واقع هویت مکان برگرفته از ارزش‌های فردی و جمعی است که با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (رلف،^۵ ۱۹۷۶).

شامای^۶ (۱۹۹۱) از جمله‌ی پدیدار شناسانی است که ابعاد هویت محله‌ای را در سه بعد تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد نسبت به مکان می‌داند. وی شاخص‌های احساس تعلق را داشتن تقدیر مشترک، نمادهای مکان، ارتباط عاطفی با مکان، تجارب جمعی، منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت با مکان‌های دیگر می‌داند. دلبستگی به مکان به احساس نیاز برای تجربه‌ی عمیق و طولانی مدت با یک مکان اشاره دارد. مراسم، افسانه‌ها و نمادها دلبستگی به مکان را تقویت می‌کنند. شاخص‌های تعهد شامل، نقش فعال فرد در اجتماع، حضور در مکان، فداکاری برای مکان، آمادگی برای رهایی از علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگ‌تر نسبت به مکان، سرمایه‌گذاری مالی و صرف زمان است.

هیوج بارتن، هویت محله‌ای را در سه بعد مطرح می‌کند؛ فیزیکی، سیاسی، اجتماعی. هویت اجتماعی یک محله، به وجود شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های حمایتی در نظریه وی اشاره دارد، چرا که این شبکه‌ها در سلامت روانی انسان اهمیت بسزایی دارند. وی نشان می‌دهد که هرچه تمرکز گروه در سطح هویت محله‌ای افزایش یابد، میزان بیماری‌های روانی آن گروه کاهش می‌یابد. همچنین به اعتقاد وی؛ هر چه یک محله از صفات طبیعی و جغرافیایی بهتری برخوردار باشد، احساس تعلق بیشتری در ساکنان خود به وجود خواهد آورد. قدمت و سابقه تاریخی یک محله نیز در ایجاد حس غرور و افتخار آفرینی ساکنان موثر است. او عوامل اجتماعی - اقتصادی را نیز یکی از مهم‌ترین عوامل پیوند اهالی یک محله می‌داند (بارتون،^۷ ۲۰۰۳: ۷۱).

از طرفی هویت مفهومی گسترده و کلان است که جنبه‌های فردی، دینی، گروهی، ملی، قومی و فرا ملی

¹ Louis

² Foth

³ Payton

⁴ Lewicka

⁵ Relph

⁶ Shamai

⁷ Barton

را در بر می‌گیرد (اکبری، ۱۳۸۷). بنابراین گرایش‌های دینی فرد به عنوان بخشی از هویت شکل گرفته است. اهمیت تأثیر باورها و نهادهای دینی بر انسان و زندگی فردی و اجتماعی او به طور کامل آشکار است. دین به شکل‌های مختلف در هر فرهنگ شناخته شده‌ای وجود دارد که به طور معمول نقش اصلی و اغلب محوری را در زندگی افراد آن بازی می‌کند (آرین، ۱۳۷۸). دینداری عبارتست از میزان علاقه و احترام افراد به دین (سراج زاده، ۱۳۷۸: ۷۲). دین و دینداری پیشینه‌ای به اندازه‌ی حیات انسان دارد، به گونه‌ای که می‌توان گفت دین و انسان همزمان پا به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند (خدایاری فرد، ۱۳۸۹).

دین به مثابه مجموعه جامع بایدها و نبایدهای ارزشی برای هدایت انسان به رستگاری، همیشه مورد توجه همه انسان‌های مال اندیش بوده است. دین با این پیچیدگی و وسعتی که دارد و تمام زوایای وجودی و زندگانی بشر را تحت الشعاع قرار داده است، نمی‌تواند پدیده‌ای ساده و تک بعدی باشد. ایمان به خداوند به عنوان محور دین فرآیندی چند بعدی همانند نگرشها، باورها، عواطف، تجارب و مناسک را در بر می‌گیرد (روف^۱، ۱۹۷۹). بنابراین گرایش‌های دینی همیشه در عرصه‌ی حیات فکری و معنوی افراد جامعه نقش دائمی و اساسی داشته است، ولی به تناسب تغییر شرایط جامعه و بروز موانع میزان پای بندی افراد به دین دچار شدت و ضعف شده است (خدایاری فرد، ۱۳۸۹).

گلاک و استارک^۲ (۱۹۶۵) معتقدند که در همه‌ی ادیان، ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات آن‌ها وجود دارد، چهار بعد مختلف برای دینداری می‌توان برشمرد که عبارت هستند از: اعتقادی^۳، مناسکی^۴، عاطفی^۵ و پیامدی^۶ (به نقل از دلبری، ۱۳۸۳). بعد اعتقادی شامل اعتقادات خاص به جا مانده از پیروان یک دین است که شخص دیندار باید آن‌ها را بپذیرد. بعد عاطفی به درک و آگاهی مستقیم از واقعیت غایی و عواطف و احساسات دینی برمی‌گردد. بعد مناسکی شامل یک سری اعمال دینی خاص است که پیروان یک دین انجام می‌دهند. بعد پیامدی به تأثیر باورها، تجارب و اعمال دینی بر روی پیروان یک آیین اشاره دارد و رابطه فرد با دیگران را نیز متأثر می‌کند (گلاک و استارک، ۱۹۶۵ به نقل از دلبری، ۱۳۸۳).

پژوهش‌ها مؤید آن است که هویت شهری نقش بسیار حیاتی و ضروری در رشد معنوی و ذهنی فرد و جامعه دارد؛ به گونه‌ای که در غیاب آن، فرد و جامعه از خود بیگانه می‌شوند. ویژگی‌های محیطی محله‌ها نیز، نقش اساسی در سازمان‌دهی رفتار ساکنان دارند (معیدفر و مقدم، ۱۳۸۹). در همین راستا جف، ایزنبرگ، نومارک و مانر^۷ (۲۰۰۵) به بررسی تأثیر زندگی در مکان‌های مذهبی بر میزان مرگ و میر پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن بود که پس از کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی و نیز پایگاه اجتماعی- اقتصادی

¹ Roof

² Glock & Stark

³ Ideological

⁴ ritualistic

⁵ emotional

⁶ consequential

⁷ Jaffe, Eisenbach, Neumark, & Manor

محلّه، افرادی که در محلات دارای هویت مذهبی زندگی می‌کردند، میزان مرگ و میر کمتری را تجربه می‌کردند و این اثر به خصوص در گروه‌های سنی میانسال و سالخورده بارزتر بود.

کاترنا، راسل، هسلینگ، براون و مورای^۱ (۲۰۰۰) به بررسی تأثیرات مستقیم و تعاملی ویژگی‌های محلّه بر بهزیستی زنان امریکایی افریقایی تبار پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن بود که انسجام و آشفتگی محلّه با پریشانی زنان ساکن در محلات مرتبط بود و با عوامل خطرزای فردی، تعامل معنی‌داری در پیش‌بینی بهزیستی زنان داشت. ولج، تیتل و گراسمیک^۲ (۲۰۰۶) در پژوهشی پیمایشی به بررسی رابطه‌ی دینداری و خودکنترلی با هم‌نواپی اجتماعی پرداخته‌اند. یافته‌ها مؤید آن بود که دینداری و خودکنترلی با کجروی رابطه‌ی منفی معنی‌داری دارند. با این حال تأثیر دینداری بر کجروی ناشی از خودکنترلی نبود.

در ایران معیدفر و مقدم (۱۳۸۹) با اتخاذ رویکرد فضایی - اجتماعی و با تلفیق نظریه‌های کنترل اجتماعی و جامعه‌شناسی شهری، به بررسی رابطه بین هویت محلّه‌ای و کنترل اجتماعی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که هویت محلّه‌ای از طریق سه عنصر وابستگی، تعهد و مشارکت، احساس کنترل و نظارت اجتماعی را در محلّه بالا می‌برد و می‌تواند مانع از گرایش افراد به ارتکاب رفتارهای ناپه‌نجا در سطح محلّه شود.

با این حال ارتباط بین هویت محلّه‌ای با گرایش‌های مذهبی، کمتر مورد توجه پژوهش‌ها قرار گرفته است. در حالیکه به نظر می‌رسد بافت محلّه به ویژه بافت اطراف حرم مطهر، بتواند هویت دینی و گرایش‌های مذهبی افراد را به عنوان بخشی مهم از هویت آنان تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه میان ابعاد هویت محلّه‌ای ساکنان اطراف حرم مطهر احمدین موسی الکاظم شاه‌چراغ و گرایش‌های مذهبی آنان است.

روش

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه‌ی ساکنان محلات اطراف حرم مطهر احمدین موسی الکاظم شاه‌چراغ^(ع) بود که دامنه‌ی سنی آن‌ها بین ۱۷ تا ۷۶ سال بود. نمونه‌ی انتخابی شامل ۶۵ مرد (میانگین سن، ۳۸/۸۳ سال) و ۸۶ زن (میانگین سن، ۳۷/۲۰ سال) بود که به صورت تصادفی و با مراجعه به درب منازل انتخاب شدند.

برای سنجش میزان دینداری زائران، از پرسشنامه‌ی ۲۵ گویه‌ای گلاک و استارک^۳ (۱۹۶۵) به نقل از دلبری، (۱۳۸۳)، استفاده گردید. دلبری (۱۳۸۳) برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش‌های محتوایی و سازه‌ای استفاده کرده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ نیز برای بعد اعتقادی ۰/۸۶، عاطفی ۰/۸۲،

^۱ Cutrona, Russell, Hessling, Brown, & Murry

^۲ Welch, Tittle, & Grasmick

^۳ Glock & Stark

مناسکی ۰/۸۸، پیامدی ۰/۸۱ و برای دینداری کل ۰/۸۹ گزارش شده است. در تحقیق حاضر بررسی روایی پرسشنامه با استفاده از روش محتوایی و بررسی پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و مقدار ضریب آلفا برای بعد اعتقادی ۰/۸۰، بعد عاطفی ۰/۷۳، بعد مناسکی ۰/۸۳، بعد پیامدی ۰/۵۶ و برای دینداری کل ۰/۹۰ به دست آمد.

جهت سنجش هویت محله از مقیاس ۳۳ گویه‌ای محقق ساخته بر اساس چارچوب پیشنهادی ارائه شده توسط وحیدا و نگینی (۱۳۹۱) استفاده شد. در این مقیاس برای هویت محله، پنج بعد تعامل، امنیت، تعلق، مشارکت و نظارت در نظر گرفته شده است. روایی مقیاس با استفاده از روش محتوایی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای بعد تعاملات ۰/۷۹، بعد امنیت ۰/۷۳، بعد تعلق ۰/۸۲، بعد مشارکت ۰/۷۴، و بعد نظارت ۰/۵۰ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. در سطح توصیفی از فراوانی و درصد و در سطح استنباطی از رگرسیون با ورود همزمان استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ فراوانی و درصد پاسخگویان را بر اساس وضعیت تأهل و میزان تحصیلات آن‌ها نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، ۳۶/۹۱ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۳/۰۹ درصد متأهل بوده‌اند. علاوه بر این میزان تحصیلات اکثر پاسخگویان زیر دیپلم (۲۵ درصد) و دیپلم (۴۱/۸۹ درصد) بوده است.

جدول ۱: فراوانی و درصد وضعیت تأهل و میزان تحصیلات پاسخگویان

میزان تحصیلات						وضعیت تأهل		
فوق لیسانس و بالاتر	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم	بیسواد	متأهل	مجرد	
۷	۲۵	۱۲	۶۲	۳۷	۵	۹۴	۵۵	فراوانی
۴/۷۳	۱۶/۸۹	۸/۱۱	۴۱/۸۹	۲۵	۳/۳۸	۶۳/۰۹	۳۶/۹۱	درصد

جدول ۲ فراوانی و درصد پاسخگویان را بر اساس میزان حضور در حرم مطهر شاه‌چراغ^(ع) جهت زیارت، اقامه‌ی نماز، شرکت در مراسم مذهبی (دعا، قرآن و آیین‌های مذهبی) و میزان توسل به آن حضرت نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، اکثر پاسخگویان، ۲ تا ۳ بار در ماه (۳۵/۳۳ درصد) یا سال (۲۶ درصد)، جهت زیارت در حرم مطهر حضور پیدا می‌کردند. در مورد حضور در حرم جهت اقامه‌ی نماز نیز وضعیت تقریباً به همین منوال بود. در خصوص میزان توسل در امورات مهم به حضرت شاه‌چراغ^(ع)، اکثر پاسخگویان (۵۲/۰۳ درصد) میزان توسل خود را زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده‌اند.

جدول ۲: فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس میزان حضور در حرم مطهر شاه‌چراغ^(ع)

میزان توسل		شرکت در مراسم مذهبی		اقامه نماز در حرم		زیارت		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸/۱۱	۱۲	۲۵/۳۳	۳۸	۳۱/۲۹	۴۶	۶/۶۷	۱۰	اصلاً
۱۴/۸۶	۲۲	۴/۶۷	۷	۴/۰۸	۶	۴/۶۷	۷	دو سه سال ۱ بار
۴/۷۳	۷	۱۲	۱۸	۶/۱۲	۹	۷/۳۳	۱۱	۱ بار در سال
۲۰/۲۷	۳۰	۲۸/۶۷	۴۳	۲۱/۷۷	۳۲	۲۶	۳۹	۲ تا ۳ بار در سال
۲۸/۳۸	۴۲	۱۷/۳۳	۲۶	۲۱/۰۹	۳۱	۳۵/۳۳	۵۳	۲ تا ۳ بار در ماه
۲۳/۶۵	۳۵	۶/۶۷	۱۰	۸/۸۴	۱۳	۸/۶۷	۱۳	۱ بار در هفته
۸/۱۱	۱۲	۳/۳۳	۵	۴/۰۸	۶	۸	۱۲	۲ تا ۳ بار در هفته
۱۴/۸۶	۲۲	۲	۳	۲/۷۲	۴	۳/۳۳	۵	هر روز

جدول ۳ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سن، دینداری و هویت محله‌ای پاسخگویان را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، میانگین سن و دینداری پاسخگویان مرد کمی بالاتر است. در رابطه با هویت محله، میانگین پاسخگویان مرد در ابعاد امنیت، تعلق و نظارت بالاتر و در بعد مشارکت، پایین‌تر است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سن، دینداری و هویت محله به تفکیک جنسیت

کل			مرد			زن			متغیر	
N	SD	\bar{x}	N	SD	\bar{x}	N	SD	\bar{x}		
۱۴۸	۱۲/۹۶	۳۷/۸۹	۶۳	۱۲/۵۶	۳۸/۸۳	۸۵	۱۳/۲۸	۳۷/۲۰	سن	متغیرهای زمینه‌ای
۱۳۹	۴/۵۷	۳۰/۶۳	۶۱	۳/۰۲	۳۲/۴۹	۷۸	۵/۰۴	۲۹/۱۸	اعتقادی	دینداری
۱۳۶	۴/۰۷	۲۵/۸۱	۶۰	۲/۷۸	۲۷/۵۰	۷۶	۴/۴۴	۲۸/۴۷	عاطفی	
۱۴۰	۳/۹۹	۱۵/۸۸	۶۰	۳/۸۲	۱۷/۱۳	۸۰	۳/۸۸	۱۴/۹۴	پیامدی	
۱۴۷	۵/۸۶	۱۳/۲۳	۶۲	۵/۲۸	۱۳/۸۹	۸۵	۶/۲۴	۱۲/۷۵	مناسکی	

کل			مرد			زن			متغیر
N	SD	\bar{x}	N	SD	\bar{x}	N	SD	\bar{x}	
۱۱۸	۱۴/۴۸	۸۵/۵۷	۵۴	۱۰/۷۸	۹۰/۶۷	۶۴	۱۵/۸۲	۸۱/۲۷	دینداری کل
۱۲۷	۶/۳۰	۲۵/۵۷	۵۶	۷/۱۸	۲۵/۷۱	۷۱	۵/۵۶	۲۵/۴۵	تعامل
۱۳۵	۴/۸۱	۱۳/۴۵	۶۰	۴/۳۶	۱۴/۲۰	۷۵	۵/۱۰	۱۲/۸۵	امنیت
۱۲۶	۷/۴۰	۲۷/۱۳	۶۰	۷/۷۷	۲۸/۶۲	۶۶	۶/۸۲	۲۵/۷۹	تعلق
۱۴۴	۲/۱۱	۴/۹۵	۶۴	۲/۰۸	۴/۷۵	۸۰	۲/۱۳	۵/۱۱	مشارکت
۱۳۴	۳/۲۸	۱۰/۹۵	۶۱	۳/۳۱	۱۱/۴۳	۷۳	۳/۲۱	۱۰/۵۵	نظارت

= تعداد آزمودنی‌ها N = انحراف استاندارد و SD = میانگین، \bar{x}

جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد اعتقادی دینداری بر اساس هویت محله را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین ابعاد هویت محله، ابعاد تعلق و مشارکت پیش‌بین‌های مثبت و معنی‌داری برای بعد اعتقادی دینداری بودند. به عبارت دیگر افزایش در ابعاد ذکر شده، با افزایش در دینداری اعتقادی همراه بود.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد اعتقادی دینداری بر اساس هویت محله

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
تعامل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۲۰	۰/۰۱	۰/۹۹
امنیت	۰/۰۸	۰/۰۸			۰/۷۱	۰/۴۸
تعلق	۰/۲۹	۰/۴۵			۳/۸۰	۰/۰۰۰۱
مشارکت	۰/۶۱	۰/۲۷			۲/۵۳	۰/۰۱
نظارت	-۰/۱۶	-۰/۱۱			-۱/۰۴	۰/۳۰

B = ضریب غیر استاندارد، β = ضریب استاندارد، R = مقدار آر مدل، R^2 = درصد واریانس تبیین شده، T = مقدار تی و P = سطح معناداری

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد عاطفی دینداری بر اساس هویت محله را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین ابعاد هویت محله، ابعاد تعلق و مشارکت،

پیش‌بین‌های مثبت و معنی‌داری برای بعد عاطفی دینداری بودند. به عبارت دیگر افزایش در ابعاد ذکر شده با افزایش در دینداری عاطفی همراه بود.

جدول ۵: تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد عاطفی دینداری بر اساس هویت محله

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
تعامل	-۰/۰۰۴	-۰/۰۱	۰/۳۵	۰/۱۲	-۰/۰۵	۰/۹۶
امنیت	-۰/۰۱	-۰/۰۲			-۰/۱۳	۰/۸۹
تعلق	۰/۲۲	۰/۳۶			۲/۹۶	۰/۰۰۴
مشارکت	۰/۵۵	۰/۲۷			۲/۴۳	۰/۰۲
نظارت	-۰/۱۰	-۰/۰۷			-۰/۶۵	۰/۵۲

جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد پیامدی دینداری بر اساس هویت محله را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین ابعاد هویت محله، تنها بعد تعلق پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای بعد پیامدی دینداری بود. به عبارت دیگر افزایش در بعد تعلق با افزایش در دینداری پیامدی همراه بود.

جدول ۷: تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد عاطفی دینداری بر اساس هویت محله

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
تعامل	-۰/۱۴	-۰/۲۲	۰/۵۵	۰/۳۰	-۲/۲۴	۰/۰۳
امنیت	۰/۰۹	۰/۱۱			۱/۰۷	۰/۲۹
تعلق	-۰/۲۸	-۰/۴۹			۴/۵۷	۰/۰۰۰۱
مشارکت	-۰/۲۶	-۰/۱۳			۱/۳۹	۰/۱۷
نظارت	۰/۲۱	۰/۱۷			۱/۶۸	۰/۱۰

جدول ۷ نتایج تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد مناسکی دینداری بر اساس هویت محله را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، از بین ابعاد هویت محله، تنها بعد تعلق پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای بعد پیامدی دینداری بود. به عبارت دیگر افزایش در بعد تعلق با افزایش در دینداری پیامدی همراه بود.

جدول ۷: تحلیل رگرسیون با ورود همزمان جهت پیش‌بینی بعد عاطفی دینداری بر اساس هویت محله

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R ²	T	P
تعامل	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۴۲	۰/۱۸	-۰/۰۶	۰/۹۵
امنیت	-۰/۱۱	-۰/۰۹			-۰/۸۰	۰/۴۲
تعلق	۰/۳۹	۰/۴۶			۴	۰/۰۰۰۱
مشارکت	۰/۰۹	۰/۰۳			۰/۲۸	۰/۷۸
نظارت	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳			۰/۰۲	۰/۹۸

بحث و نتیجه‌گیری از یافته‌ها

همانگونه که در جدول ۲ ملاحظه گردید، اکثر ساکنان محلات اطراف حرم، علاوه بر تعلق خاطر و ارادت قلبی به آستان مقدس احمد بن موسی الکاظم شاه‌چراغ^(ع) و توسل به آن حضرت در امورات مهم زندگی خود، به صورت منظم و مستمر به حرم مطهر مشرف شده و علاوه بر زیارت، به اقامه‌ی نماز در حرم مطهر و شرکت در مراسم مذهبی پرداخته‌اند. این مسئله مؤید نقش و جایگاه حرم مطهر در باورهای دینی، فرهنگ و هویت ساکنان محلات اطراف حرم مطهر می‌باشد.

بررسی نتایج تحلیل‌های رگرسیونی نیز حاکی از آن بود که از بین مؤلفه‌های هویت محله‌ای، احساس تعلق به محله و مشارکت، پیش‌بین‌های معنی‌داری برای دینداری ساکنان محلات اطراف حرم بودند و با همه‌ی ابعاد دینداری (اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی) ارتباط مثبت و معنی‌داری داشتند. به عبارت دیگر میزان تعلق به محل سکونت و دلبستگی به آن به همراه میزان مشارکت موجود در محله، موجب افزایش دینداری ساکنان محلات اطراف حرم می‌شد. این یافته حاکی از نقش و اهمیت محله به عنوان یکی از مهمترین عوامل هویت‌بخش در جامعه‌پذیری آموزه‌های دینی است. پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌های پیشین (تویگر-راس و آزل^۱؛ ۱۹۹۶؛ هاگ و ابرامز، ۱۹۸۸؛ پروشانسکی و همکاران، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۷؛ راپرگ-هالتون^۲، ۱۹۸۱) نیز حاکی از نقش و اهمیت محل سکونت در شکل‌گیری هویت است. به عقیده‌ی پروشانسکی^۳ و همکاران (۱۹۸۳) هویت افراد از طریق فرایندی شکل می‌گیرد که بین مکان و شخص

^۱ Twigger-Ross, & Uzzell

^۲ ochberg-Halton

^۳ Proshansky

رخ می‌دهد. از دیدگاه تویگر-راس و آزل (۱۹۹۶)، تعلق افراد به محل سکونت از طریق همانندسازی^۱ با مکان، موجب شکل‌گیری هویت ساکنان می‌شود. به عنوان مثال، شخصی که ساکن ژاپن است، ممکن است خود را ژاپنی بداند. در این معنا، مکان همانند یک طبقه‌ی اجتماعی^۲ عمل می‌کند و در شکل‌گیری هویت، کارکردی نظیر گروه‌های اجتماعی (ملیت، جنسیت، نژاد، اشتغال) دارد و فرایند شکل‌گیری هویت به شیوه‌ای مشابه با نظریه‌های هویت اجتماعی (هاگ و ابرامز، ۱۹۸۸) و بر اساس همان اصول و قواعد انجام می‌شود (تویگر-راس و یوزل، ۱۹۹۶). در فرایند دل‌بستگی به مکان، مکان به عنوان بخشی از دیگری تعمیم یافته شده و در خودپنداره‌ی شخص یکپارچه می‌شود (راچبرگ-هالتون^۳، ۱۹۸۱). در پژوهش حاضر نیز هر چقدر احساس تعلق افراد به محله بیشتر می‌شد، میزان دینداری آن‌ها افزایش می‌یافت. به نظر می‌رسد وجود بارگاه مقدس احمدبن موسی‌الکاظم شاه‌چراغ^(ع) در بافت تاریخی فرهنگی شهر شیراز، هویت محلات اطراف حرم را تحت تأثیر قرار داده و صبغه مذهبی به آن بخشیده است. بدین ترتیب افرادی که از هویت محله‌ای قویتری برخوردارند و تعلق خاطر بیشتری به محل سکونت خود دارند، از دینداری بالاتری برخوردارند.

از طرف دیگر، افرادی که میزان مشارکت محله‌ی خود را بالاتر ارزیابی کرده بودند، از دینداری بیشتری برخوردار بودند. پژوهش‌ها مؤید آن است که مشارکت بالا در محله، پیامدهای مثبتی دارد. به عنوان مثال مشارکت می‌تواند موجب افزایش سرزندگی محله (تنوع و امنیت) شود (محمودنژاد و امیدقانع، ۱۳۹۲). همچنین افزایش سرمایه‌ی اجتماعی ناشی از مشارکت در محله، می‌تواند احساس ناامنی را در ساکنان کاهش دهد (لیندستروم، مرلو و استرگرن^۴، ۲۰۰۳؛ صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹). مشارکت می‌تواند نشانگر نگرش فرد نسبت به محله باشد و تحت تأثیر میزان تعلق فرد به محله قرار گیرد. به عنوان مثال مک‌میلان و چاویس (۱۹۸۶) نشان داده‌اند که حس تعلق به محله، با مشارکت ارتباط تنگاتنگی دارد و از طریق مؤلفه‌های احساس عضویت، تأثیرگذاری، برآورده‌سازی نیازها و پیوند عاطفی موجب افزایش میزان مشارکت می‌شود (به نقل از نادری، شیرعلی، قاسمی کفرودی، ۱۳۹۳). از طرف دیگر و با در نظر گرفتن این مطلب که محلات اطراف حرم، هویت مذهبی دارند و بارزترین جنبه‌ی هویتی آن‌ها، وجود بارگاه مقدس احمدبن موسی^(ع) است، به نظر می‌رسد با افزایش مشارکت محله‌ای، میزان تعامل افراد با همسایگان و بزرگان مذهبی فعال در محله بیشتر شده و در نتیجه‌ی این تعاملات، با آموزه‌های مذهبی آشنایی بیشتری پیدا کنند که این امر می‌تواند به افزایش درونی‌سازی ارزش‌های دینی منجر شود.

یافته‌های پژوهش مؤید آن است که هویت محله (به ویژه ابعاد تعلق و مشارکت) می‌تواند میزان دینداری

¹ identification

² social category

³ Rochberg-Halton

⁴ Lindström, Merlo, & Östergren

افراد ساکن در محلات را ارتقاء دهد. جهت مشخص شدن هر چه دقیق‌تر دلایل این ارتباط، پیشنهاد می‌شود مکانیسم‌های واسطه‌ای احتمالی در رابطه‌ی بین هویت محله و دینداری ساکنان مورد بررسی قرار گیرد. به لحاظ کاربردی نیز پیشنهاد می‌گردد شکل‌های اجتماعی و عناصر دینی و فرهنگی موجود در محلات شهر شیراز تقویت گردد.

منابع

۱. آرین، خدیجه. (۱۳۷۸). بررسی رابطه‌ی دینداری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا. پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. اکبری، بهمن. (۱۳۸۷). بحران هویت و هویت دینی. پیک نور. سال ششم، شماره چهارم.
۳. برک پور، ناصر. (۱۳۸۰). پایداری هویت در محله‌های مسکونی، گفتگو با کامران ذکاوت، مجله شهرداری‌ها، شماره ۲۵، تهران.
۴. بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران، تهران، نشر شهر.
۵. چپ من، دیوید. (۱۳۸۴). *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت*. ترجمه شهزاد فریادی و منوچهر طیبیان، تهران، دانشگاه تهران.
۶. خدایاری فرد، محمد و همکاران. (۱۳۸۹). مدل سنجش دینداری و ساخت مقیاس آن در سطح ملی. *مجله‌ی پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*. ۱ (۱): ۱-۲۴.
۷. ربانی، رسول. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی شهری*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۸. رضازاده، راضیه. (۱۳۸۵). *رویکرد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید*. انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید. چاپ اول.
۹. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیوان.
۱۰. سراج زاده، سید حسین. (۱۳۷۸). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن. *نمایه پژوهش*. شماره ۹ و ۱۰: ۱۱۰-۱۱۸.
۱۱. شماعی، علی؛ پور احمد، احمد. (۱۳۹۲). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۱۲. شماعی، علی؛ جهانی دولت آباد، رحمان و جهانی دولت آباد، اسماعیل. (۱۳۹۲). سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران. *تشریح تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۱۳، شماره ۳۱، صص. ۱۹۱-۲۱۰.
۱۳. صدیق سروستانی، رحمت اله و نیمروزی، نوروزی. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. *فصلنامه دانش/انتظامی*، دوره ۱۲، شماره ۲، ۱۸۵-۲۲۰.
۱۴. عبدالله زاده، رقیه. (۱۳۸۹). گزارش توصیفی محله قیام دشت، معاونت اجتماعی و فرهنگی، اداره مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۱۵. فراشیانی، علی اکبر. (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین شاخصهای موثر بر هویت محله‌ای در شهر جدید پردیس. *دومین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی*. تهران.
۱۶. محمودنژاد، فاطمه و امید قانع روح الله. (۱۳۹۳). بررسی نقش مشارکت مردمی در ارتقاء تنوع و امنیت در

- راستای ایجاد سرزندگی در محلات شهری (نمونه موردی: محله کلیا همدان). هفت حصار، شماره ۳، سال ۱، ۵۷-۶۶
۱۷. معیدفر، سعید؛ مقدم، غلامرضا. (۱۳۸۹). نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای ناپه‌نچار اجتماعی در شهر (مطالعه محله‌های شهر تهران). *مسائل اجتماعی ایران*. شماره ۸: ۱۱۵-۱۴۴.
۱۸. نادری، احمد؛ شیرعلی، ابراهیم و قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۳). بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت آباد). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۶، شماره ۳، ۲۰-۷.
19. Barton, Hugh. (2003). *Shaping Neighborhoods*. New York, Spon press, pp: 71.
20. Bulmer, Martin. (1984). *The Chicago School of Sociology: Institutionalization, Diversity, and the Rise of Sociological Research*. Chicago: University of Chicago Press.
21. Chow, Kenny, Healey, Mick (2008). Place attachment and place identity: First-year undergraduates making the transition from home to university. *Journal of Environmental Psychology*. 28.
22. Coser, L. A. (1982). The notion of control in sociological theory. *Social control: Views from the social sciences*, 13-22.
23. Cutrona, C. E., Russell, D. W., Hessling, R. M., Brown, P. A., & Murry, V. (2000). Direct and moderating effects of community context on the psychological well-being of African American women. *Journal of personality and social psychology*, 79 (6), 1088.
24. Foth, Marcus (2004). Designing networks for sustainable neighbourhoods. A case study of a student apartment complex. <http://eprints.qup.edu.au/archive/foth.pdf>. pp: 8-9.
25. Hernandez, Bernardo, Hidalgo, M. Carmen, Salazar-Laplace, M. Esther, Hess, Stephany). (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of Environmental Psychology* 27.
26. Hogg, M. A., & Abrams, D. (1988). *Social identifications*. London: Routledge.
27. Jaffe, D. H., Eisenbach, Z., Neumark, Y. D., & Manor, O. (2005). Does living in a religiously affiliated neighborhood lower mortality?. *Annals of epidemiology*, 15 (10), 804-810.
28. Lewicka, Maria (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology* 28 (2008) 209-231.
29. Lindström, M., Merlo, J., & Östergren, P. O. (2003). Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Malmö, Sweden. *Social Science & Medicine*, 56 (5), 1111-1120.
30. Mcmalaing, D. W., And Chavis, (1986) *Sense Of Community: A Definition And Theory*, J. Commun. Psyehdy: 6-230.
31. Payton, Michelle Angela Payton (2003). Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge, master on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge Socialty past Identity Putrajaya.
32. Proshansky, H. (1978), The city and self -Identity, *Environment and Behavior*. vol 10.
33. Proshansky, H. M., & Fabian, A. K. (1987). The development of place identity in the child. In *Spaces for children* (pp. 21-40). Springer US.
34. Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical world socialization of the self. *Journal of environmental psychology*, 3 (1), 57-83.
35. Relph, E. (1976) *Place and Placelessness*, pion. London.
36. Rochberg-Halton, E. (1984). Object relations, role models, and cultivation of the self. *Environment and Behavior*, 16 (3), 335-368.
37. Roof, W. D. (1979) 'Concepts and Indicators of Religious Commitment: A Critical Review' in R. Wuthnow (ed.) *The Religious Dimension: New Directions in Quantitative Research*, London: Academic Press: 17-45.

38. Shamai, Shmuel (1991) , Sence of place: An Empirical measurement, Geforum Volume 22, pp347-358
39. Twigger, C. (1992, April). Psychological attachment to place: London Docklands—a case study. In *Annual British Psychological Society Conference, Scarborough, UK, April* (pp. 5-8).
40. Welch, M. R. , Tittle, C. R. , & Grasmick, H. G. (2006). Christian religiosity, self-control and social conformity. *Social forces*, 84 (3) , 1605-1623.
41. Wester-Herber, M. (2004). Underlying concerns in land-use conflicts—the role of place-identity in risk perception. *Environmental Science & Policy*, 7 (2) , 109-116.

